

ماجرا چیست؟

چرا در جامعه ایران نهادهای اجتماعی از تداوم و استمرار بهره نمی‌برند؟

باید باشند



تجمع با امیر خدیو

پیشینه

از نفس افتاده‌ها

مطبوعات ۱۷۲ ساله‌ای می‌شود که در ایران با گذر زمان است. سال‌هایی که ۸۹ سال آن در دوره قاجار بوده و ۵۲ سال دوره پهلوی و ۳۰ سال در دوران جمهوری اسلامی. مطبوعات می‌شود که می‌توان پایه‌گذار آن را میرزا صالح شیرازی نامید؛ چهره‌ای که قدیمی‌ترین روزنامه ایران را منتشر کرد. البته به شکل ماهنامه چاپ می‌شد و سبب شد بعد از آن ذبیای مطبوعات ایران وقایع اتفاقیه را دید که به شکل هفته‌نامه چاپ می‌شد؛ روزنامه‌ای که در ابتدای امر به سرپرستی میرزا تقی‌خان امیر کبیر منتشر می‌شد و بعد از مدتی تغییر نام داد و توانست تنها تا شماره ۵۹۱ چاپ شود. البته بعد از وقایع اتفاقیه روزنامه‌های دیگری نیز منتشر شدند که همگی دولتی بودند تا نوبت به اختر رسید که به زبان فارسی در اسلامبول منتشر می‌شد و غیردولتی بود البته قانون، حبل المتین و عروه‌الوقفی روزنامه‌هایی بودند غیردولتی که در لندن، کلکته و پاریس منتشر می‌شدند. البته با گذر زمان ذبیای مطبوعات روزنامه‌های دیگری نیز به خود دیده؛ نشریاتی همچون صورسرافیل، مریخ، طلوع و داش که متعلق به زنان بود؛ روزنامه‌هایی که در دوران مشکلاتی را به خود دیدند و شاید برای همین بود که برخی از آنها نتوانستند عمر طولانی در دنیای انتشار داشته باشند. به عنوان مثال پس از قرمان مشروطیت تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ مطبوعات و روزنامه‌نگاران توقیف‌های مکرر را شاهد بودند. درانی که به دستور درباریان و سفارتخانه‌های روس و انگلیس دستگیری، محاکمه، حبس، شلاق، تورو و اعدام سرنوشت بسیاری از مطبوعات می‌شد. در واقع با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ این روزنامه‌نگاران بودند که مورد هجوم قرار گرفتند و مسأله ۴ بیابیه کودتا و ضرورت هستند.

تجربه دیگران

پیر مردها

شروع به کار آکسفورت گارت در انگلیس مصادف شد با شیوع وبا یعنی سال ۱۶۶۵. دورانی که مردم از ترس ابتلا به وبا از دست زدن به صفحات این روزنامه خودداری می‌کردند و بعد از فروکش کردن این بیماری اقبال مردم به سمت مطبوعات دوباره گسترش یافت و این اقبال همچنان ادامه دارد. این روزنامه در حال حاضر به مسائل اجتماعی، ورزشی و بیان مسائل داخلی انگلیس می‌پردازد.



شاید در سال ۱۸۹۶ خانواده سالزبرگر گمان نمی‌کردند روزنامه نیویورک تایمز که حالا مالک ۱۸ روزنامه دیگر از جمله اینترنشنال هرالد تریبون و بوستون گلوب است، به این جایگاه برسد. البته بعد از گذشت ۲۱ سال هنوز مالک نیویورک تایمز یکی از اعضای این خانواده است؛ آرتور سولزبرگر جونیور. واقعیت این است که نفوذ این روزنامه در آمریکا به حدی است که از آن به‌عنوان «منبع ملی» یاد می‌شود. منبعی که روزنامه‌هایی اطلاق می‌شود که در کتاب‌ها و نوشتارها از بیانی آنها به‌عنوان مدرک و یادکرد منابع تاریخی یاد می‌شوند. البته نیویورک تایمز مشخصه دیگری نیز دارد که آن را از سایرین متمایز می‌کند؛ موفق به دریافت ۱۱۲ جایزه پولیتزر - معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری در دنیا شده است که از نظر کورداداست.



مسأله نوشتن و چاپ روزنامه بسیار مشکل بود و سختی‌های زیادی داشت. در شهر بلفاست، ایرلند روزنامه بلفاست نیوزتر شروع به کار کرد. سال ۱۷۲۷. روزنامه‌ای که در آن دوران که امور مربوط به چاپ سخت بود، این ریسک را به جان خرید و توانست بعد از مدتی مخاطبان خود را به دست بیابد و حالا ۲۰۸ ساله‌ای می‌شود که در ایرلند شمالی از دوشنبه تا شنبه چاپ می‌شود و به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین روزنامه‌هاست. واژگانتین پست نیز نام آشنایی در میان روزنامه‌هاست؛ روزنامه‌ای که در سال ۱۸۷۷ کار خود را شروع کرد و هنوز نیز با گذشت ۱۳۰ سال چاپ می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز واژگانتین پست چاپ سر کار آمده‌اند، متأسفانه دولت‌های گذشته است را تعطیل کرده و دستاوردهای شان را از بین بردند؛ انگاشت‌های چون می‌توان به عملکرد یک نظام اجتماعی که دایما مهابت خود را عوض می‌کند، امیدوار بود؛ به‌طور مثال اگر ما نهاد آموزش و پرورش را مسور و آکاوی قرار دهیم، مردم می‌بایم که با تغییر دولت‌ها یا حتی وزیر، به‌طور کلی نظام آموزشی با رویکردی تعطله‌آمیز، تغییرات بنیادی را تجربه می‌کند. این جامعه‌شناس عنوان می‌کند: در واقع دولت‌هایی که به سر کار آمده‌اند یا تجارب ارزشمند دولت‌های پیش از خود را فراموش کرده‌اند یا آنان را با چالش ناکارآمدی مواجه کرده‌اند، در واقع مشاهده می‌کنیم که جامعه ما نسبت به جوامع مشابه خود توسعه کمتری را تجربه کرده است؛ زیرا جوامع توسعه‌یافته متکی بر انباشت تجربه تاریخی خود هستند، اما از فرهنگ ما این میراث نامیوم را برای نظام سیاسی مان به ارعغان آورده که دوست داریم چرخ را از نو اختراع کنیم. خلاصه آن که در جوامع کوتاه‌مدت نهادهای اجتماعی چشم‌انداز وسیع و برنامه مدونی ندارند و براساس ذائقه افراد تغییر مهابت می‌دهند که این واقعیت تلخ نهادهای اجتماعی را با ضعف عملکردی مواجه کرده است.

منابع دیگر

- ایا جامعه ایران نهاد اجتماعی دارد یا خیر و این که این نهادهای اجتماعی چرا تداوم و استمرار را به خود نمی‌بینند، پرسشی است که در این شماره مطرح شده است. البته لینک‌های زیر نیز به شفاف‌تر شدن مسأله کمک می‌کنند.
- http://www.isa.org.ir/86/1668-
- انجمن جامعه‌شناسی ایران
- http://www.a-sasw.com/p/8882
- سایت تخصصی مددکاری اجتماعی ایران
- http://mag-iran.com/
- مقاله‌ای در مورد نهادهای اجتماعی
- http://tssq.atu.ac.ir/article_4155_624fd511471755797.pdfec3ea50aafd79ef
- فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- http://journals.atu.ac.ir/article_4155.html
- مقاله‌ای در مورد تأثیر تحولات نهادهای اجتماعی بر امکان دولت قانونمند در ایران

دارند تا مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را بالا ببرند، در واقع موجبات تحریک اجتماعی سالم را فراهم آورند. واقعیت غیرقابل انکار این است که این نهادهای یکدیگر رابطه شبکه‌ای و درهم‌تنیده دارند، بنابراین تحول در یک نهاد می‌تواند سایر نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار بدهد، به‌طوری که می‌توان گفت دولت و نهادهای اجتماعی دارای کنش‌های متقابل پویانسیبت به یکدیگر هستند. یکی از نکات قابل تامل جهان امروز این است که تأثیر تجدد بیش از همه در

طبقه متوسط شهری دیده می‌شود؛ لایه اجتماعی‌ای که موتور محرک جنبش‌های اجتماعی به حساب می‌آید، بنابراین روند تحولات در نهادهای اجتماعی می‌تواند تأثیر شگرفی بر کلیت جامعه داشته باشد. با این اوصاف ضرورت تداوم و طول عمر این نهادها احساس می‌شود؛ رویه‌ای که در جوامع توسعه‌یافته امروزی دنبال و از آثار مثبت آن سود جسته می‌شود. نهادهایی که تقریباً از محتسوا دایمی برخوردارند و بر الگوهای رفتاری، نقش‌ها و روابط اجتماعی افراد به

دیدگاه ۲

افکار و دستاوردهای نهادهای گذشته را انکار می‌کنیم

مصطفی آبروشن - جامعه‌شناس
نهادهای اجتماعی بخشی از جامعه هستند و نمی‌توان اذعان کرد که ما در جامعه نهاد اجتماعی نداریم. ما در جامعه نهادهای اجتماعی فراوانی داریم، اما آنچه جامعه ما را دچار نابسامانی‌های اجتماعی کرده، نفی افکار و دستاوردهای نهادهای گذشته است. در واقع ایران را می‌توان به‌عنوان یک جامعه کوتاه‌مدت تلقی کرد، به‌عبارتی ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم به توسعه پایدار امیدوار باشیم. مصطفی آبروشن، جامعه‌شناس در ادامه صحبت‌هایش می‌افزاید: اگر نگاهی به فرآیند مدرنیته‌شدن غرب ببینیم، خواهیم دید که توسعه در آن‌جا پیوسته و درون‌زاست یعنی مدرنیته از دل سنت بیرون آمده و در واقع عین و ذهن یکی است. ولی آنچه در ایران رخ داده نوعی انقطاع از فرهنگ است که در واقع مراحل گذار به مدرنیته، به‌عکس آنچه در غرب اتفاق افتاده، گسسته و برون‌زاست. آبروشن بر این باور است که در انقلاب‌های اجتماعی در ایران بحث سرمایه‌ای نیست، بلکه بحث توسعه در آن‌جا پیوسته و درون‌زاست یعنی مدرنیته از دل سنت بیرون آمده و در واقع عین و ذهن یکی است. ولی آنچه در ایران رخ داده نوعی انقطاع از فرهنگ است که در واقع مراحل گذار به مدرنیته، به‌عکس آنچه در غرب اتفاق افتاده، گسسته و برون‌زاست. آبروشن بر این باور است که در انقلاب‌های اجتماعی در ایران بحث سرمایه‌ای نیست، بلکه بحث توسعه در آن‌جا پیوسته و درون‌زاست یعنی مدرنیته از دل سنت بیرون آمده و در واقع عین و ذهن یکی است. ولی آنچه در ایران رخ داده نوعی انقطاع از فرهنگ است که در واقع مراحل گذار به مدرنیته، به‌عکس آنچه در غرب اتفاق افتاده، گسسته و برون‌زاست. آبروشن بر این باور است که در انقلاب‌های اجتماعی در ایران بحث سرمایه‌ای نیست، بلکه بحث توسعه در آن‌جا پیوسته و درون‌زاست یعنی مدرنیته از دل سنت بیرون آمده و در واقع عین و ذهن یکی است. ولی آنچه در ایران رخ داده نوعی انقطاع از فرهنگ است که در واقع مراحل گذار به مدرنیته، به‌عکس آنچه در غرب اتفاق افتاده، گسسته و برون‌زاست. آبروشن بر این باور است که در انقلاب‌های اجتماعی در ایران بحث سرمایه‌ای نیست، بلکه بحث توسعه در آن‌جا پیوسته و درون‌زاست یعنی مدرنیته از دل سنت بیرون آمده و در واقع عین و ذهن یکی است. ولی آنچه در ایران رخ داده نوعی انقطاع از فرهنگ است که در واقع مراحل گذار به مدرنیته، به‌عکس آنچه در غرب اتفاق افتاده، گسسته و برون‌زاست.

دیدگاه ۴
سرمایه اجتماعی که روه فرسایش است
اهداف تخصصی خودشان، در واقع کمک می‌کنند تا سود مردم در حوزه‌های مختلف اجتماعی بالا برود، همانند احزاب، البته با این تفاوت که احزاب در حوزه سیاست کار می‌کنند و کمی‌عریض‌تر گسترده‌تر هستند و فعالیت‌شان در سطح ملی است، در حالی که آن‌جا می‌تواند در عرصه عمومی و اجتماعی فعالیت می‌کنند و کوچکتر هستند و به شکل غیرانتفاعی اداره می‌شوند، نهادهایی که خیلی به قدرت وابسته نیستند. این جامعه‌شناس می‌کند: نهاد یک مفهوم جامعه‌شناختی است و می‌توان این مفهوم را در تمام عرصه‌ها به کار برد؛ چه سازمان‌های بزرگ و چه سازمان‌های کوچک چون هر سازمانی یک نهاد و ساختاری دارد و یک کارکرد را به خود اختصاص داده است. البته جوامع بشری نهادهای اصلی‌را از قدیم در خود شاهد بوده‌اند؛ نهاد خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد و دین و قدرت. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که وزارت کشور مرجع صدور مجوز این نهادها در کشور است؛ به‌طوری که معاونت سیاسی بر مجوز احزاب نظارت دارد و معاونت اجتماعی بر مجوز صن‌ها، شاید سوالی که پیش می‌آید این است که چرا این نهادها نمی‌توانند فعالیت کنند و نهادها در کشور است؛ چون در کشور ما شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استقرار و بقای این نهادها وجود ندارد، اگر چه در عرصه ایجاد نیز باید گفت نسبت به جوامع کمتر شاهد ایجاد این نهادها هستیم که دلیل آن

دیدگاه ۳

هر نظام سیاسی یک شاکله اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

با توجه به این تغییرات آری اما ممکن است تداوم به هسان معنا که در تاریخ اروپای غربی طی ۳۰۰ سال داریم، باشد؟ و چرا ما این تداوم را در بنیادین شده است. ما قاجار را داریم انقلاب مشروطه و سپس برآمدن سلسله پهلوی و خل ایجاد قاجار دیده می‌شود. در واقع ما ۲۰۰ سال دولت قاجار را داریم که از بین می‌رود تا سلسله پهلوی شکل بگیرد، سلسله‌ای که تا می‌خواهد شکل بگیرد و نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود را به وجود آورد و مناسبات قدرت را تنظیم و مدیریت کند، کشور تحت اشغال متفقین قرار می‌گیرد و سلسله پهلوی تا مرز سقوط پیش می‌رود و چانه‌زنی در سطح بین‌المللی سلسله پهلوی را نگه می‌دارد تا به کودتای ۲۸ مرداد می‌رسیم و دولت مصدق و نفوذ آمریکا و معادلاتی که بعد از سال ۱۳۴۲ شکل می‌گیرد و بعد از آن انقلاب ۵۷ است که شکل می‌گیرد و اساس شاکله نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و رابطه نهاد دین و قدرت تا نهاد سیاست تغییر می‌کند. این عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به این مناسبات اذعان می‌کند: بعد از این تغییرات در فضای فضا است که مناسبات دیگری در جامعه شکل می‌گیرد و این تغییر و تحول تمدنی تأثیرات بسیار بنیادینی بر هندسه و بافت اجتماعی ایرانیان طی این چهار دهه می‌گذارد؛ چهار دهه‌ای که تغییر و تحولاتی را در سطح جهانی شاهد است. در واقع طی صدسال تغییرات و تحولات بنیادینی که ممکن است در تاریخی هزار سال رخ دهد، اتفاق می‌افتد. این جامعه‌شناس با طرح این سوال که

دیدگاه ۵

هر نظام سیاسی یک شاکله اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

سیدجواد میری - جامعه‌شناس و عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی | مطالعات فرهنگی | ما اگر می‌خواهیم بر مردم مفهومی به نام نهاد در جامعه صحبت کنیم به مثابه یک مقوله اجتماعی باید بگوییم نهاد چیست؟ نهاد اجتماعی که گاهی اوقات سلسله است در احزاب اجتماعی نیز نامیده می‌شود، یکی از ساختارهای اجتماعی است و معمولاً این ساختارها نوعی نظم هستند که بین گروه‌های انسانی در جوامع راهبردی می‌کنند، در واقع به گونه‌ای اینها را ساماندهی می‌کنند. نهادها معمولاً از طریق اهداف و پایداری‌های اجتماعی و مقاصد افراد با شناسایی می‌شوند و با ساختن تقویت قواعد، رفتار افراد را در مناسبات اجتماعی مدیریت می‌کنند، اما زمانی که مسأ مفهوم نهاد را به کار می‌بریم، تنها نهادهای رسمی را در نظر نمی‌گیریم، بلکه آداب و رسوم و الگوهای رفتاری که در جوامع انسانی وجود دارد، به گونه‌ای ذیل مفهوم نهاد قرار می‌گیرند. سیدجواد میری، جامعه‌شناس و عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه صحبت‌هایش می‌افزاید: رفتارهای برگرفته شده از آداب و رسوم نیز به نوبه خود نوعی نهاد اجتماعی هستند که تأثیرگذاری خاص خود را در جوامع دارند. در واقع زمانی که ما درباره مفهوم نهاد صحبت می‌کنیم، باید به بار نمایان نهاد نیز توجه داشته باشیم. میری بر این باور است که جامعه ایران طی صدسال اخیر به‌خصوص

دیدگاه ۱

اصغر مهاجری - جامعه‌شناس | نهادهای اجتماعی معمولاً به چند نهاد بزرگ در جامعه گفته می‌شود که سبب شده‌اند جوامع بشری شکل بگیرند، همچون نهاد خانواده، آموزش و پرورش، دین، قدرت و اقتصاد، البته در کنار این نهادها ما سازمان‌های عمومی و سمن‌ها را در جوامع می‌بینیم؛ سازمان‌ها یا نهادهایی که می‌توانند به مردم کمک می‌کنند تا آنها از لحاظ فکری جامعه‌پذیر و فرهنگ‌پذیر شوند. در واقع مردم با نهادهای رسمی، دولتی و حکومتی هستند، اصغر مهاجری، جامعه‌شناس در ادامه صحبت‌هایش می‌افزاید: این نهادها را در سطح سیاسی به شکل احزاب در جوامع شاهدیم؛ احزابی که این توانایی را دارند تا نیروسازی کنند، آموزش بدهند و برنامه‌هایی را در راستای اهداف و مصلحت طرفداران خود تدوین کنند، اگر چه نباید از یاد برد که این احزاب قادر به این هستند تا شرایط رشد اعضا و پیروان خود نیز فراهم آورند، البته در حوزه سیاسی و قدرت‌های تصمیم‌گیر مهاجری از سمن‌ها نام برده و می‌افزاید: آن‌جا که جوامع یا نهادهایی هستند که در ایران نیز دیده می‌شوند؛ نهادهایی که مردم را سامان می‌دهند، منسجم می‌کنند و آموزش می‌دهند، البته در راستای

